جاگزینهای مجازات زندان و نهاد تعزیر

چکیده:

هر چند که تلاش فلسفه و حقوقدانان غربی در طول قرن‌های هفدهم و هجدهم در زمینه جلوگیری از اعمال مجازات‌های خشن و شدید، موجب بذیرش مجازات زندان به عنوان مجازاتی اصلی در اوایل قرن نوزدهم شد، اما دیری تکذیب که استفاده بی‌رویه از مجازات زندان، بعدها بر اساس انتقادات شدیدی نسبت به این مجازات شد که موافقت آن را ندارند و در نهایت، آنان را به واکنش و اقدامات نظامی برای مقابله با این موضوع فراهم کرد. پیشرفت‌های استفاده از «جاگزینهای مجازات زندان» و اجتناب از مجازات زندان، مکر به عنوان «آخرین حربه» بوده است.

مقدمه حاضر، تلاشی است که به منظور تبیین جایگزینی مجازات زندان در میان مجازات‌های اسلامی و نحوه اعمال آنها در قوانین آن که گرفته شده از نظام حقوقی اسلامی، صورت پذیرفته است. در این مقاله ثابت می‌شود که این یافته‌ها نهاد تعزیر در نظام کیفری اسلام و سیلهای است برای استفاده از اقداماتی که می‌تواند روند اصلاح مجرمان را سرعت ببخشد، بنا براین «مجازات‌های جایگزین زندان» در حقیقت نوعی «مجازات تعزیری» هستند که نشانگر حاکم جامعه اسلامی اعمال آنها را به مصوبه جامعه و فرد تشخیص داد. می‌توان بدون هیچ محدودیتی از آنها استفاده نماید.

واژگان کلیدی: مجازات‌های اسلامی، جایگزینهای مجازات زندان، تعزیرات
واکنش اجتماعی علیه جرم، در گذر زمان تحت تأثیر تحولات حقوق جزو و جرم شناسی تغییرات چشمگیر و مهمی را به خود دیده است. زندان به عنوان یکی از مهم‌ترین صورت‌های مجازات از قرن هجدهم به این سو محو مطالعات و تحقیقات اندیشمندان ومکتب‌های حقوقی و جرم‌شناسی قرار گرفت و تحت تأثیر این اندیشه‌ها دگرگونی عمیقی یافته است. از آغاز سده نوزدهم که زندان به عنوان مجازات اصلی جایگاه مهمی در میان نمونه‌های مختلف واکنش اجتماعی علیه عمل مجرمانه پیدا کرد، سلب آزادی از محاکمه رفته رفته خاصیت ترهیبی خود را از دست داد و اصلاح و بازسازی گری محاکمه یا آن را گرفت. بدین منظور، هم قانون‌گذاری ملی و هم سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی چون شورای اروپا و سازمان ملل، جدایگانه یا به همکاری هم‌دستی کوشیدند تا شیوه‌های اداره و سازمان‌دهی مجازات زندان را دگرگون سازند، تا بلكه از این طریق بتوان حقوق مجرمان را بهتر رعایت کرد. (آشنایی ص ۸۶).

مهم‌ترین اقدام سازمان ملل در این مورد می‌توان تصویب «حداقل قواعد لازم» (United Nations Standard Minimum Rules for القاعد مناسباتی) (the Treatment of Prisoner) را دانست که در اولین کنگره سازمان ملل در مورد بیشتری از جرم و رفتار با مجرمان، بر تاریخ ۳۰ آگوست ۱۹۵۵ به تصویب رسید و پس از آن، در ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۷ مورد پذیرش شورای اقتصادی اجتماعی قرار گرفت. (Resolution 663e (XXIV))

اما در سده‌ی بعد نیز هر چند افراد بسیاری از زندان به عنوان وسیله‌ای برای بازپروری مجرمان یاد می‌کردند، اما توصیه‌ها و ورهنوردی‌های مکرر سازمان ملل در مورد به حداقل رسالت‌های استفاده از زندان و در مقابل استفاده هرمی‌انه برخوردار از جایگزین‌های مجازات زندان و تصویب «حداقل قواعد لازم» که گفته در اقدامات غیر سال آزادی مشهور به «قواعد توکیو» در سال ۱۹۹۰ (United Nations Standard Minimum Rules for Non - Custodial Measures) همگی حاکی از نگرانی‌های جدی‌تری نسبت به امر بی‌صلاح و بازپروری مجرمان در زندان‌ها بوده است. در مقابل، نخود برخورد کشورها با این موضوع در ابتدای امر به این صورت بود که اقداماتی در زمینه اصلاح زندان‌ها برداشته، هر چه افزایش معتقد بودن که ناکارآمدی اصلاح و دارند مجرمان محاکمه در زندان‌ها، معلول کمی بایستد امکانات
و نیروی انسانی لازم است و از این رو با افزایش کمی و کیفی این دو عامل و نیز بهره‌جویی از شیوه‌های نوین، کوشیدن از تواصق زندان‌ها به کاهش و از زندان به عنوان وسیله‌ای برای بازپرسی اجتماعی محاکمه استفاده نمایند (آسل ص. 89).

اما با تمام تلاش‌هایی که راجع به اصلاح زندان‌ها صورت گرفت، نتایج به دست آمده نامید کنندگان بود و بازپرسی اجتماعی و اصلاح مجرمان در زندان‌ها، تقیی‌تر مردود شناخته شد. (همان) در کتاب این اقدامات که هزینه‌های هنگفتی را بر دولت‌ها تحمل کرد، دیدگاه جدیدی به تدریج کوشید تا توسیع به کیفی سالب آزادی را به حداصل برساند و جایگزینی‌های مناسبی برای آن جستجو کند. تردیدی نیست که حامیان این نظریه با اعتنایی که به واقعیات دارند، معتقدند که در اوضاع و احوال کنونی، هنوز هم افرادی هستند که باید از آزادی تردد، آنان جلوگیری شود و به عبارت زندانی شوند، ولی قبول این مطلب نباید به منزله پذیرش تعمیم مجازات زندان تلقی شود. آنان معتقدند که سلب آزادی از محاکمه، باید به عنوان «آخرین حرب» و آن‌گاه که همیشه شور و راهکار قابل اعتماد دیگری نیباید به عنوان واقعیت جامعه در مقابل مجرمان به کار گرفته شود(همان: صص 5-12).

برای اساس، حامیان این نظریه به جای زندانی کردن مجرمان، اقدام به ابداع شیوه‌های جدید مجازات مجرمان از قبل جزای نقدی، خدمات عالم المنفعه، حبس در منزل، مجازات‌های سالب و یا محدود کنندگی حقوق و... تمودنات تا حوزه امکانات بتوانند جلو آثار زیان‌بر زندان را بر جامعه، فرد زندانی و خانواده او بگیرند.

بدون شک استفاده از اقدامات جایگزین و گنجاندن آنها در مقررات کیفری متبنا از حقوق جزای اسلام، منوط به آشنایی اجمالی با این اقدامات و تبیین جایگاه آنها در بین مجازات‌های شرعی می‌باشد. در واقع پرسشنامه اصلی این است که این اقدامات در حقوق کیفری اسلام، تحت کدام یک از مجازات‌های شرعی بررسی شده است. از این رو در این مقاله سعی شده، ضمن معرفی اقداماتی که به عنوان جایگزین زندان مطرح شدند، به جایگاه و موقعیت آنها در میان کیفری‌های شرعی اشاره شود. در این راستا، نگارندند سعی دارد که با استفاده از معاون و مفهوم تعزیر در روابط وارده در باب مجازات‌های تعزیری و همچنین کلمات فقها و دیگر ادله ارتقاء شده مبنی بر عمومیت تعزیری، به این نتیجه برسد که مجازات‌هایی که در حقوق غرب از آنها به عنوان "جایگزین‌های مجازات‌های زندان" یاد می‌شود، در حیاتی مجازات‌های تعزیری هستند که مقام صالح برای تعیین و انتخاب آنها
فصل یکم:
مجرات و اقدامات جایگزین زندان
در این فصل به بیان برخی از تدابیر و اقداماتی که به صورت کامل جایگزین مجازات زندان در شرایطی بیش از زندان دارند اشاره می‌شود. این گونه اقدامات را می‌توان به دو دسته ضمانت اجرایی مالی و ضمانت اجرایی آموزشی-اجتماعی تقسیم کرد که به توضیح هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

بحث یکم: ضمانت اجرایی مالی

1- جزای نقدی

در بسیاری از کشورها در جهت سیاست حبس زندانی و تلاش در راه اندازی رفع بحران حاکم بر زندان‌ها، دگرگونی عمیقی در نظام مجازات‌ها و ضمانت اجرایی کیفی ایجاد شده است و این طرح به نظر می‌رسد که گرافش به سوی جزای نقدی بیش از سایر مجازات‌های جایگزین، نمود یافته است. چنان‌که می‌بینیم قانون‌گذار فرانسوی با حذف زندان از لیست مجازات‌های جرایم خلقتی، راهی برای استفاده هر چه بیشتر قضاط از جزای نقدی در مورد این جرایم هموار ساخته است و یا ملاحظه می‌شود که در مورد حبس‌های جنحای هم اجازه تبدیل آنها را به جزای نقدی داده است. (حسینی: ۱۳۷۹: ص۴۵)

و یا ملاحظه می‌شود که قانون گذار آلمان، کیفر یا جزای نقدی را را الزام‌انداز می‌گردد. در موارد بسیار استثنایی، جایگزین مجازات زندان به مدت کمتر از ۶ ماه کرده است. (آشوری: ص۱۹۱)

پس تغییراتی این چنینی که در قوانین سایر کشورها نیز اتفاق افتاده، همگی حاکی از مشکلات پدید آمده از ناحیه اعمال مجازات زندان، و تلاش کشورها برای رهایی و حل آنهاست.

ارزیابی این اقدام

حقوقدانان در مقام مقایسه کیفر جزای نقدی با مجازات زندان و سایر مجازات‌های
امتناعی برای آن ذکر کرده‌اند. به‌طور مواردی که مواد سیاستی به می‌توان اشاره کرد:

- جزای نقدی فاقد آثار روحی روشنی است و موجب فساد و تباهی فرد شده.
- تکرار آن، بر خلاف مجازات زندان، موجب از بین رفتن اثر بازدارنده آن نیست.
- ایجاد تناسب بین جرم و جزای نقدی از هر مجازات دیگری آسان تن است.
- بهترین عامل بازدارنده برای جرایم علیه اموال محسوب می‌شود.
- اجرای آن نه تنها هزینه‌ای برای دولت در بر ندارد بلکه منبع درآمدی نیز محسوب می‌شود و... (اردبیلی: ۱۸۷ در کتاب: ص۴۲ و ۱۳۹۵ ترجمه از نسخه فارسی استفاده شده، بنابراین)

می‌بینیم که حقوق‌دانان به بیان آن پرداختند که بعضاً از آنها عبارتند از:
- اعمال این مجازات‌ها می‌تواند با اصل شخصی بودن مجازات‌هاست.
- این مجازات‌ها به علت ایجاد فقر، بی‌پوشانی و غیرها نااعدال‌انه و نابرابر است.

- اجرای این مجازات‌ها حتمی نیست، چرا که در موارد بسیاری منجر به حبس افراد می‌شود (همان).

وجود این اشکال‌ها در جزای نقدی باعث کم رنگ شدن امتیازات فراوانان آن بر مجازات زندان شده است، به گونه‌ای که همین عیوب حتی امتیازات آن را تحت شعاع قرار داده است. همین امر باعث شده که حقوق‌دانان به فکر برطرف کردن این نقش‌ها بیفتدند و شیوه‌های جدیدی را در مسیر اعمال و اجرای این مجازات‌ها ابداع نمایند.

در قسمت بعدی به راهکارهای پیشنهادی برای حل این مشکلات اشاره می‌شود.

شیوه‌های نوی بر راستای پرداخت جزای نقدی

همان طور که بیان شد، یکی از مهم‌ترین اشکال‌های وارد بر جزای نقدی، ایجاد تبعیض بین فقیر و غنی است؛ چه بسیار تهی دستنی که به خاطر عدم توانایی بر پرداخت جزای نقدی، ماهوا و حتی سال‌ها بر زندان باقی می‌مانند، وی در مقابل، توانایگان بسیاری می‌توان به فکر ارتكاب جنایه مشابه، فروآ؛ مبلغ جزای نقدی را پرداخت می‌کنند و متحمل هیچ گونه درد و رنجی هم نمی‌شوند و چه بسا هم امر، اگرچه آنها را برای ارتكاب جرایم بعید، بی‌شمار، نماید، زیرا ارتكاب جرم برای آنها هزینه‌ی چندانی در بر نداشته است.

پس با توجه به تمام امتیازات جزای نقدی، اعمال این مجازات در صورتی می‌تواند مؤثر واقع شود و اثر بازدارنده داشته باشد که اسندگانی مناسبی برخوردار باشند تا

29
فرد خاطی، خطر دستگیری و رنج و زحمت پرداخت این مبلغ را دویچه‌بیشده در غیر این صورت اگر مبلغ آن کم بیاید نسبت به غنی اثر بادرانده‌ای را در بر نخواهد داشت، چرا که او بدون هیچ مشکلی آن مبلغ را پرداخت می‌کند. (Meyyani, P. 7)

حال به‌جز اساسی همین جاست که چگونه ما می‌توانیم جزای نقید را به گونه‌ای تعيین کنیم که در عین حال که پرداخت آن بر یزده‌کار غنی سنتگین تمام شود، به شخص فقیر هم ظلم نشود؟ به علاوه، چه کنیم که اگر قبیلی به خاطر عدم قدرت در پرداخت جزای نقید به زندان افتاد، دیگر در آن جا برای مدت نامعلومی باقی نماند؟ بلکه مفرّ قانونی برای وی وجود داشته باشد. به منظور رفع همین مشکلات، حقوق‌دانان راهکارهای جدیدی در زمینه پرداخت جزای نقید ابداع کرده‌اند که به آنها اشاره می‌شود:

روزهای جزای نقید
الف - تعريف
از راهکارهای پیشنهادی در زمینه حل مشکلاتی که بر سر راه اعمال کیفر جزای نقید وجود دارد، می‌توان به نظام «روزهای جزای نقید» و یا «جرم‌های روزانه» اشاره کرد. این نظام ابتدا بر کشورهای شمال اوراسیا (فنلاند، سوئد، دانمارک) به وجود آمد و بعداً در آلمان، انگلیس، پرتغال، ایتالیا و سوئیس از کشورهای آمریکای لاتین و سرانجام، در سال 1983 در فرانسه مورد عمل قرار گرفت. بانیان این نظام برنامه‌ای عقیده بودند که ضمن عادلانه‌تری و قابل درک ساختن جزای نقید، با ایجاد امکان اعمال هر چه‌گونه سردودت آن را به یاد مجازات‌های سال‌بند آزادی نیز فراهم کرد. (آنالیس ص102)

در این نظام، مجازات‌های نقید به‌آسانی پول‌باله بر حسب «روز» و با توجه به میزان درآمد روزه روزانه محکوم عليه معین می‌گردد. به عبارتی، در سیستم و نظام جزای نقید روزه، مجازات از ترتیب دو عنصر به دست می‌آید. به این صورت که قاضی با توجه به وضعیت و احوال ارتكاب جرم و شدت جرم، تعادل روزهایی را که محکوم به ازای آنها جریمه پرداخت می‌کند، معین می‌کند و سپس با توجه به اوضاع مادی و درآمد فرد، مبلغ جریمه مورد نظر به ازای هر روز را مشخص می‌کند.

پس می‌توان گفت: مبلغ محکومیت، از حاصل ضرب عنصر اول (تعداد روز) در عنصر دوم (مبلغ روزه روزانه جزای نقید) به دست می‌آید. به بیانی دیگر: جزای نقید روزه روزانه
مبلغ جرمیه روزانه که تعداد روزهایی مورد حکم برابر مبلغ جرمیه روزانه است.

اما پایین توجه داشت که حادثه‌ها و حادثکردها در مورد مبلغ جرمیه روزانه و تعداد حادثه‌های جزایی مورد حکم، توسط قانون‌گذاران مشخص می‌شود و قاضی ملزم است در همان محدوده، حکم صادر کند. مثلاً طبق ماده 200 اصلاحیه قانون جزای آلمن مصوب 1976 حداکثر جزای توقیفی بر مبنای 5 روز و هر روز 2 مارک محاسبه می‌شود. از طرفی به منظور مخالفة با کسانی که از وسیله‌ای غیرنظامی اقتصادی، سودهای کلان می‌برند، حادثکر جزایی نقدی مبلغ قابل توجه 6 میلیون و هزار مارک است که محاسبه آن بر پایه 560 روز و از قرار روزی 10000 مارک می‌باشد. (آشوری: ص 213).

اما در بعضی قوانین، تنها به ذکر حادثکر اکتفا کرده‌اند و در تعیین حادثکر، دست فقط را باز گذاشته‌اند. مانند قانون جزای فرانسه که در ماده 5 - 131 مقرر می‌دارد مبلغ جرمیه روزانه‌ی مبین نیز به مجازات جزایی لازم می‌رساند از 2 میلیون و هر روز 2 مارک باشد. (حسنی: ص 67) بنابراین، حادثکر جزایی نقدی قابل تصور مبلغ 770000000 می‌باشد.

ب) ماهیت حقوقی

در هنگام تصویب مواد مربوط به جزای نقدی روزانه در پارلمان فرانسه، مباحث مطرح شد که ماهیت حقوقی این مجازات را چهار ترید و مشکل کرده است. درباره ماهیت این مجازات چهار تفسیر ذکر شده است:

1) بر اساس مواد 3 - 121 و 5 - 131، جزای نقدی روزانه جایگزین جنس است.

2) مجازات‌های عمومی است که می‌تواند به هر نوع حبس اضافه شود، حتی اگر جزای نقدی مقرر نشد باشد. (بخش‌نامه 13 مه 1993، شماره (34))
۲ - جانشین جزای نقده است، زیرا نمی‌تواند توانایی آن (جزای نقده) باشد. (بعد آمار ماه ۹۶-۱۳۱)

۳ - مجازات درگاه، غیر قابل طبقه‌بندی است که هم‌زمان، از مجازات جایگزین و مجازات تکمیلی ناشی می‌شود. (کاسهای: ص ۱۶۵).

پس همانطور که ملاحظه می‌شود، در مورد ماهیت حقوقی این مجازات، اختلاف نظر وجود دارد: به گونه‌ای که بعضی بر این عقیده‌اند که این مجازات، جایگزین مجازات حبس محسوب می‌شود، بعضی دیگر، آن را مجازاتی اصلی می‌دانند. برخی این مجازات را غیر قابل طبقه‌بندی می‌دانند و بعضی دیگر، آن را جایگزین مجازات زندان می‌دانند. اما دیوان عالی فرانسه، تفسیر جانشینی این مجازات از جزای نقده را مورد تأیید قرار داده و آن را نوعی جزای نقده با همان ماهیت می‌داند. (همان)

برنامه جایگزین جزای نقده (fine option program)

این برنامه، برای اولین بار در سال ۱۹۸۳ در ایالت «مانیتوبا» (Manitoba) واقع در کشور کانادا ایجاد شد. هدف اصلی از ایجاد این برنامه، کاهش تعداد مجرم‌های بورز که به خاطر عدم توانایی در پرداخت جریمه نقدی به زندان افتاده بودند، به بیان روش‌نترین برنامه، عکس عملی در مقایسه این واقعیت سود، که در آن ایالت زندان‌ها تبدیل به شده بود. زیرا قشر عمده‌ای از زندانیان، افرادی بودند که قدرت و قوانن لازم را برای پرداخت جزای نقده نداشتند. بطور مثال، در سال ۱۹۸۲، ۲۲ درصد (۸۱۷ نفر) از زندانیانی که مجوز ورود به مؤسسات اصلاحی ایالتی را دریافت کردند، بودند. افرادی بودند که به خاطر عدم توانایی در پرداخت جزای نقده، به زندان شده بودند. مقرزات مربوط به این قانون، تحت عنوان مقززات برنامه جایگزین جزای نقده نام گذاری شد. بر طبق این مقززات، مجرمان می‌توانند در «مکان‌های کاریابی غیر رسمی منفعت» (Community Resource Centres) ثبت نام نمایند که این مراکز برای این گونه مجرمان می‌کنند، مثل همان کاری است که برای مجرمان محروم شده به خدمات غیر رسمی منفعت انجام می‌دهند؛ به این صورت که برای ثبت نام کنند کاری مناسب در جامعه ترتیب می‌دهند، سپس بر انجام کامل آن نظارت می‌کنند. ضمناً اجرای این برنامه هم یک است که اگر فرصت انجام کار محوله سرباز زند، مجدداً استدیگر می‌شود و به میزان انجام همان کار غیر منفعت، راهی زندان می‌شود.
نمی‌هد، که اما باشد، یا می‌تواند وارد این برنامه شود، بیل افراد در استفاده از این برنامه آزادانند. حتی استفاده از این طرح، اختصاصی به افرادی ندارد که ناتوان از پرداخت جزای نقده هستند، بلکه افرادی که توامی‌پی پرداخت جزای نقده را هم دارند، می‌توانند در این برنامه نام نویسی کنند.

 نحوه ورود به این برنامه

در مانیتوربا مجرمان، از دو راه می‌توانند به این برنامه ملحق شوند:
الف - بعد از این که دادگاه، فرد را محاکمه به پرداخت جزای نقده کرد، او فوراً می‌تواند در این برنامه نام نویسی کند.
ب - اگر فردی در مرحله صدور حکم، برای ورود به این برنامه نام نویسی نکرده و از طرفی قادیر به پرداخت جزای نقده نیز نبوده و به خاطر قصور و کوتاهی در پرداخت جزای نقده محبوب شد، در این صورت می‌کند فرضیت دیگر برای ورود به این برنامه، در زمانی که فرد صورت مؤسسی اصلاحی است وجود دارد، همان‌گونه که در سال 1988 تعداد ۲۴۵ نفر از ۷۵۴ نفر به خاطر عدم توامی‌پی در پرداخت جزای نقده در زندانهای مانیتوربا به صورت مبادله با استفاده از این طریق وارد این برنامه شدند و بر اساس آمار منتشر شده در سال 1989، تعداد ۳۳۴ جرم برگزار و ۷۹۲ جوان بزهکار، برای انجام خدمات عام المنفعه از طریق این برنامه ثبت نام کردند. ضمناً با این توجه داشت که اگر فردی پیش از این، در انجام کاری که بر طبق این برنامه ملزم به انجام آن بوده است کوتاهی کرده باشد، دیگر حق استفاده از این فرضیت را نخواهد داشت.

 شیوه محاسبه مجازات

همان‌طور که معلوم شد، در این برنامه، فرد با ایجاد عوض از جزای نقده ساعاتی را به انجام خدمات عام المنفعه بپردازد؛ اما نحوه تعیین این ساعات، به این نحو است که قاضی مبلغ جزای نقده را تقسیم بر حداقل دستمزد فرد در ساعت می‌کند که نتیجه حاصله، عبارت است از تعداد ساعتی که فرد با توجه به انجام خدمات عام المنفعه بپردازد.

به عبارتی می‌توان گفت:

ساعت‌های کار مورد نظر = حداقل دستمزد مورد در ساعت تقسیم بر جزای نقده.
مضمناً هر چند بین این شیوه و قرار خدمات عام المنفعه شباهات های زیادی و وجود دارد، اما تنها دانستنی نیز بین این دو شیوه وجود دارد که پس از آشنا شدن با قرار خدمات عام المنفعه به آنها اشاره می‌شود.

۲ - مصارف اموال

یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند، جایگزین مجازات زندان شود، ضبط تمام و یا قسمتی از اموال محروم علیه به نفع دولت می‌باشد. ضبط و مصارف اموال را بطور کلی به در نوع می‌توان تقسیم کرد: یکی مصارف عمومی و دیگری مصارف اختصاصی.

مصادر عمومی: عبارت است از ضبط اموال موجود محروم علیه، اعم از منقول و غيرمنقول. این گونه مصارف مجازاتی بسیار مؤثر است؛ زیرا علاوه بر شدتر جنگ مکالمه اربابی مجازات. اما با این امر نباید کرد که اثر این نوع محرومیت، تنها به شخص محروم علیه محدود نمی‌شود بلکه خانواده و دیگر کسانی که نیز متأثر می‌شوند. از این حيث، این مجازات را مثابه سربازان انضمام و عدالت شناخته‌اند. (آریپلی: ۱۳۷۷ ج ۳ ص ۱۷۱).

مصادر اختصاصی: عبارت است از این که مالکیت برخی از اشیاء که به نحوی با جرم در ارتباط بوده، به دولت اختصاص پیدا کند. این اشیاء که موضوع جرم است و عمل مجرمانه به رسیدگی آن انجام شده، مالک کالایی که بطور قاچاق و غیر قانونی وارد کشور شده است و به‌گاهی ممکن است مال مورد مصارف حاصل جرم باشد، مالک پول و درآمدی که از طریق فروش کالایی قاچاق به دست آمده و به‌گاهی ممکن است مال مورد مصارف آلت جرم باشد، مالک ونمایی نقلیه‌ای که برای حمل و نقل کالایی قاچاق مورد استفاده قرار می‌گیرد (صلاحي: ص ۱۵۵).

در بعضی از کشورها، از این مجازات به عنوان جایگزینی برای زندان استفاده می‌کنند. مانند فرانسه، هلند و آلمان (العوامی: ص ۱۴۶) آن گونه که ماده ۳۱-۴ قانون جزایی فرانسه به تبعین این مجازات پرداخته و مقرر می‌دارد:

«...مجازات هر چند ضبط و مصارف، در مورد عضوی اعمال می‌شود که در ارتباط جرم به کار رفته و یا استفاده از آن در ارتباط جرم مقصود بوده و یا در نتیجه ارتباط جرم به دست آمده است و ... زمانی که شیء مصارفشد شده به دست نیامده یا نمی‌تواند مورد...»
شناسایی قرار گیرد، به مصادری ارزش آن حکم داده می شود. برای وصول تمامی مبلغ معادل ارزش شیء مصادره شده، مقررات مربوط به الزام به وصول آن طریق پارداشت قابل اعمال می باشد...” (حسینی: ص ٤٢)

اما راجع به مواردی که می توان از این مجازات به عنوان جایگزین زندان استفاده کرد، برای متذکر شویم که قانون‌گذاری فرانسه بر اساس مواد ۱۲ - ۱۳۱ و ۱۴ - ۱۳۱ اجازه استفاده از این مجازات را در جرائم خلافی به قضاتی داده است. همچنین با نمودار ۱-۲۱۳۶ قضاط می توانند از این مجازات در جرائم جنحهای استفاده نمودند و مستقیماً آن را مورد حکم قرار دهند و یا آن به عنوان بدل و جایگزین زندان استفاده نمایند.*

اما در مورد جنایات، قضات می توانند از این مجازات و دیگر مجازات‌های محرمان کننده و محدود کننده حقوق (شرمدهشده در ماده ۱۰ - ۱۴۲۲) فقط به عنوان یک مجازات تکمیلی استفاده نمایند.***

اما در حقوق ایران، مجازات ضبط و مصادره اموال، به عنوان مجازات اصلی مورد

***** ماده ۱۳۱ مقرر می‌باشد: "مجازات‌های جریمه‌ای خلافی که بر اشخاص حقیقی اعمال می‌شود عبارتند از: ۱- مجازات‌های محرمان کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق که در ماده ۱۳۱ پیش بینی شده‌اند... ماده ۱۳۱-۱۰-۱ مقرر می‌باشد: "برای همه جرایم خلافی گروه چهارم، یک یا چند مجازات محرمان کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق که دیلی ذکر می‌شود، می توانند مورد حکم قرار گیرند... ضبط شيء که در ارتكاب جرم به کار رفته یا مقصود استفاده از آن در ارتكاب جرم بوده و شیئی که محرمان مصرف کرده است"

****** ماده ۱۳۲ مقرر می‌باشد: "مجازات‌های تأبیبی (جنحهای) که بر اشخاص حقیقی اعمال می‌شود عبارتند از: ۱- جرایم زندان ۲- جرایم نقدی و روانه (بله از زندان) ۳- کار عام المنفعه ۴- مجازات‌های محرمان کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق که در ماده ۶ - ۱۳۱ پیش بینی شده‌اند... ماده ۱۳۲- ۱۰-۱ مقرر می‌باشد: "هنگامی که مجازات جنحهای، زندان است، یک یا چند مجازات از مجازات‌های محرمان کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق که دیلی ذکر می‌شود، می توانند مورد حکم قرار بگیرند... ضبط شيء که در ارتكاب جرم به کار رفته یا مقصود استفاده از آن در ارتكاب جرم مفسود بوده و شیئی که محرمان مصرف کرده از ماده ۱۳۲-۱۰-۱ مقرر می‌باشد: "در موارد پیش بینی شده در قانون، یک یا چند مجازات تکمیلی تحت عنوان موقتی از یک حق، تقلیل آن، حکم به عدم صلاحیت برای تصدی منزیل یک حق، تأیید برای جریمه یک حق، توقف برای ضبط شيء، بستن یک مفسود به علایم عمومی یک حق، حکم یا پخش آن در طی مطابعات آن در رساله‌های سمه، بصری همگانی که موجب تبیین اشخاص حقیقی می‌باشد مجازات شود." (ر: حسینی: ص ٥٥)
حكم قرار نمی‌گیرند، بلکه در بعضی موارد، از این مجازات به عنوان مجازاتی تکمیلی استفاده می‌شود. از این قبیل به موارد زیری می‌توان اشاره کرد: ماده ۲۰۷ در مورد آلات و اسباب قمار که حسب مورد به موجب حکم دادگاه مجدد و یا ضبط می‌شوند و ماده ۵۲۲ که مربوط به مصادره سگه قبیل می‌باشد و یا ماده ۸۱۲ که مربوط به مصادره اموال حاصل از طريق تکذیب و کلاشی می‌باشد.

3. پرداخت غرامت به مجنون علیه

یکی دیگر از مجازات‌هایی که جنوبه مالی دارد و می‌تواند به عنوان جایگزین مناسبی برای نداندن در نظر گرفته شود، مجازات پرداخت غرامت و جبران خسارت وارد به مجنون علیه می‌باشد. به عقیده بعضی از جرم شناسان، هنگامی که تبعیض جرم اقتصاد حسب مقررا نداده، حکم به پرداخت غرامت به مجنون علیه، حتی از محاکمه‌ای را به جزای نقدی بیشتر است. چرا که مبلغ حاصل از جزای نقدی به خزانه دولت واریز می‌شود، در حالی که در این جرایم به شخص مجنون علیه پرداخت می‌شود و همین امر باعث چربی رضایت وی و رفع آلام و کدورت‌های روی می‌شود.

با توجه به این امر است که بعضی کشورها سعی کرده‌اند، با گنجاندن این نوع از مجازات در قوانین کفی نکند، تا محدودی از مشکلات عارضه از ناحیه زندانها فاقد آیند. به عنوان مثال، در کشور کانادا به قضاطی اجراء داده شده که در بعضی موارد، با صدور قرار پرداخت غرامت مجرم به مجنون علیه، از اعمال مجازات دیگری در مورد وی صرف نظر نمایند. قانون به دو طریق اجراء صدور این قرار را به قضااط داده است: یکی این که بر طبق ماده ۷۲۱ قانون مجازات کانادا، قاضی می‌تواند این مجازات را مستقیماً مورد حکم قرار داده و مجرم را ملزم به پرداخت غرامت به مجنون علیه نماید. و دیگری این که، بر طبق ماده ۷۲۷ قانون مجازات کانادا، قاضی می‌تواند پرداخت غرامت به مجنون علیه را یکی از شرایط تعلیق قرار داده و مجرم را ملزم نماید که به شخصی که بر اثر ارتكاب جرم، به وی آسایی وارد شده است، غرامت پرداخت نماید. نحور تعمین غرامت نیز به این صورت است که در ابتدای امر، گزارشنش توسط همآهنگ کنندگان غرامت، که در سیستم تعلیق مشغول به کار هستند، برای دادگاه نهی می‌شود. گزارش حاوی این مطالب است، میزان خسارت وارد به مجنون علیه، اوضع و احوال جرم ارتكب‌شده، نقطه نظرات به دیده، ارزیابی از میزان توانایی مجرم نسبت به
مبحث دوم: ضمانت اجرای آموزشی اجتماعی

1. خدمات عامل المنفعة

یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند بطور مستقیم، جایگزین مجازات زندان شود، خدمات عامل المنفعة است. در حال حاضر، در اکثر کشورها برای پیشگیری از خطرات و مفساد زندانها و جلوگیری از تمساح مجرمان جوان و فاقد سابقه کیفیتی با مجرمان سابقه دار و کاستن از مخارج سرسالار زندانیان، قرار خدمات عامل المنفعة را در قوانین کیفری خود گنجانده‌اند.

قرار خدمات عامل المنفعة عبارت است از: حکمی که دادگاه، مجرم را با توجه به رضایت ری، به جای فرستادن به زندان، به انجام کاری مجازی و بدون دریافت مزد، به تعادل ساعاتی معیین، برای جامعه یا یکی از مؤسسات خیریه و عامل المنفعة به نماینده‌اند به کل جامعه ملزم می‌نماید.

(Op. Cit. community service)

تاریخچه استفاده از نیروی کار مجرمان، اختصاص به سهدها، اختصاص به سهدها و سابقه‌ای طولانی دارد. در دوره دادگستری خصوصی، خانواده مجرم، به خاطر حفظ امنیت و تمامیت خود، وی را به خانواده زبان دیده تسلیم می‌کردن تا به نحو مقتضی مجازات شود. مجرمی که به این نحو تحویل داده می‌شود، لزوماً محکوم به مجازات مرگ نمی‌شود؛ بلکه ملاحظات اقتصادی، در بخشی موارد بایعه می‌شود که خانواده زبان دیده او را به رشته درآورند و از کار از استفاده کنند. (صامت: ص. 5) اما اولین کسی که پیشنهاد استفاده از توان کاری مجرم را عرض از مجازات وی به طریق مرسوم مطرح کرد، بکاریا در رساله جراح و مجازات‌های بود. وی در مورد سرقت‌های بدون خشونت معتقد است.

این گونه سرقت‌ها باید با کیفیت‌های مالی مجازات شود؛ زیرا کسی که در صدد
ثورتندبندند شدن با مال دیگران است، با این شاهد ناجی شدن شکوت خوش‌پاشید. ولی چنین معمولاً این جراحی ناشی از فقر و نامیدگی می‌شود. مناسبترین کیفیت که می‌توان آن را عادلانه نامید، فقط نویع برگ‌گی است. این برگ‌گی معنی دارد که کار و معزوم مجزر را در خدمت جامعه قرار می‌دهد و موت این صورت خودکامگی بارادست‌د ناکافی‌اند و که با نقض پیمان اجتماعی محقق شده، جبران شود.» (بکارگر، صص ۱۰-۱۱).

هر چند بکارگر در نیمه دوم قرن هجدهم پیشنهاد استفاده از کارهای عام المنفعه را مطرح کرد، اما جامعه آن روز، در شرایطی نبود که به محض طرح چنین پیشنهادی انتظار با زد و دردشدن و عملی شدن فوری آن را داشت، از این رو ملاحظه می‌شود که پس از گذشت بیش از یک قرن از آن زمان، یعنی در سال ۱۸۲۸، سناتور فرانسوی، میشل (Michoud) باید تأکید می‌کند که کار عام المنفعه وارد حقوق کیفری شود. (پرداخته: ص ۱۳۰) و سرانجام، پس از گذشت سال‌ها انتظار، در سال ۱۹۵۰ یک قاضی اطفال در برن پایبند به سوال سوال (پایبند به) به پاپس (پایبند بلیک) بدون توجه به روش و میزان‌سایه مذکور در قوانین خاص اطفال حکم به اشتغال خدمات عام المنفعه را صادر کردند. (بکارگر، صص ۱۸۵)

این اندیشه، امروزه نیز توسط نویسندگان و انجمن‌های مانند جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی و بنیاد بین‌المللی کینگ بی و زندان‌های خارجی گردش‌مایه‌ی سالیانه آنها توپمی‌شود. همانطور که گردش‌مایه‌ی سال ۱۹۸۴ در کویمبرا (Coimbra)، موضوع جلسات خود را به کار عام المنفعه اختصاص داد و گردش‌مایه‌ی سال ۱۹۸۷ در پوئتیر (Poitiers) و سال ۱۹۸۸ در گرینجنگ (Groningen) منجر به تهیه و تدوین نهایی قواعد برای اصلاح و درمان محکومان در محیط آزاد شد. (پرداخته: صص ۱۳۲-۱۳۳) سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شصت و هشت‌مین نشست عمومی خود، در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ بنا به پیشنهاد کمیته پیشگیری و کنترل جراحی این سازمان، «حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد را در رابطه با اقدامات غیر سالیان آزادی» (مشهور به قواعد تورکی) را به تصویب رساند و حکم به خدمات عام المنفعه را به عنوان یک اقدام غیر سالیان آزادی مورد تأیید قرار داد که در مبحث اول از این فصل، به توضیح و تبيان آن پرداخته شد. (A/RES/45/110, Article ۸)

38
هدف

همانطور که گذشت، یکی از مهم‌ترین استانداردهای ملک که به استفاده از جایگزینی بطور عادی و قانونی ذکر شده است، در حالی که قواعد استاندارد در رابطه با اقدامات غیر سالب آزادی می‌باشد که در مواد اولیه این موضوع کمیکه اهداف کلی به تصویب آن سند ذکر شده است. در اینجا که به بیان چند مورد از آن به نحو مختصری می‌پردازیم:

الف - ترویج استفاده از اقدامات غیر سالب آزادی و تشخیص آن. حداقل تضمن‌دهایی که برای افراد در معرض جایگزینی وجود دارد.

ب - افزایش مداخله جامعه در مndernیت و هدایت عدالت کیفری، خصوصاً در مورد درمان مجرمان.

چ - تحلیل حق مسئولیت پذیری مجرمان نسبت به جامعه.

د - تشویق کشورها به ایجاد تعادل بین حقوق مجرمان و قربانیان و نگرانی جامعه در مورد آمدنی عمومی.

۰ - تشویق کشورها به گنجاندن این جایگزینی در قوانین کیفری خود بخاطر آزادی بیشتری که صدور قرار می‌دهند.

و - منطقی و عقلانی کردن سیاست‌های کیفری با رعایت حقوق بشر و نیازهای عدالت اجتماعی و نیازهای اصلاحی مجرمان.


علاوه بر این اهداف کلی، قرار خدمات عام المنفعه، دارای اهداف اختصاصی نیز می‌باشد که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

الف - فراهم آوردن این امکان برای مجرم که با حفظ نقش و صمیمیت اجتماعی مجازات خود را تجربه کرده و با تمام شدن مجازات، به سهولت به زندگی اجتماعی و عادی خود برگردند.

ب - تقویت احساس مفید بودن در مجرم، به این صورت که با انجام صحیح و ظالم محوله، اراده‌اش بر مقابله با مشکلات دو چندان می‌شود.

ج - افزایش توان و قابلیت مجرمان در تطبیق و سازگاری با جامعه.

د - جلوگیری از به هدر رفتن نیروی کار مجرمان، قراردادان آن در خدمت توسعه اقتصادی و اجتماعی.

ه - صرفه جویی در هزینه‌های دولت، (مرکز تحقیقات قوه قضاییه (پلیس که)، ص ۲۰۷)
ضمناً بايد توجه داشته كه تغييب دولته به استفاده از اين گونه مجازاتها نبايد به خاطر سوداوری محض آنها باشد؛ چرا که ايجاد ارتباط بين اعمال مجازات و تحسيل سود و منتفعت به هيچ وجه كار پسنديده یا به نظر نميزند. (الفیکو: ص 70) بلکه به اين دليل است كه جنين اعمال اين روشها، امر اصلاح مجرمان را كيکي از عمده ترين اهداف مجازات زندان است، بهتر و سريعتر از زندان مي‌سوري مي‌گرداه، پس استفاده هر چه بيشتر از آنها بايد مورد تشويق و حمايت قرار گيرد.

تفاوت قرار خدمات عام المنفعه با برنامه جايگزيين جزيئي نقدى

پيش از اين اشاره شد كه بين برنامه جايگزيين جزيئي نقدى و قرار خدمات عام المنفعه شبهه‌هاي زيادى وجود دارد، اما در عين حال، اين دو از جهاتي با هم متفاوتند. بكي از تفاوتهاي مهم اين دو در ايزى است كه در برنامه جايگزيين جزيئي نقدى، مجرمان بين انتخاب برداخت جزيئات نقدى و يا انجام خدمات عام المنفعه، از آزادى عمل برخوردند، اما در خدمات عام المنفعه، جنين اختيازي برای مجرمان در نظر گرفته نشد است: بلکه بستگي به نظر قاضي دارد كه برای مجرم، كدام يك از مجازاتهاي خدمات عام المنفعه يا جزيئات نقدى يا مجازات زندان را انتخاب نماید.

به علاوه، مجرمي كه برنامه جايگزيين جزيئي نقدى را نقض كند، بطور اتوماتيک، حبس مي‌شود، ولي فردي كه قرار هاي خدمات عام المنفعه را نقض کند، به دادگاه برده مي‌شود تا درباره اور تصميم گيرند و بسيار كم اتفاق مي‌افتد كه فردي به خاطر نقض خدمات عام المنفعه راهي زندان شود.

(The Justice system and Aboriginal People, chapter. Community Service)

نتيجه حاصل از اعمال اين قرار در كشورهای مختلف

قرار خدمات عام المنفعه در دهه‌هاي اخیر، توانسته است به عنوان يك ضمانت اجرای موافق ظاهر شود؛ آن گونه كه بسياري از كشورها از قبيل انگلستان، كنادا، فرانسه، پرتغال، هولندا، آلمان، سوئد و ... اين قرار را به موقع اجرا گذشتند و در قوانين كيفرى خود گنجاندهاند و در اين زمينه موافقتهایي هم كسب كردهاند كه در اين قسمت به پرخى از اين دستاوردها اشاره مي‌شود.
خدمات عام المنفعه، برای اولین بار در ضمن تصویب قانون جزا در تاریخ دهم زوئن 1983 وارد حقوق کیفری فرانسه شد. طبق قانون جزا جدید فرانسه، خدمات عام المنفعه به درصد متود حکم قرار گیرد. گاهی این خدمات به عنوان حکم اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد، مثل این که قاضی حکم صادره کند که مجرم ملزم است طی 6 ماه 20 ساعت برای یک مؤسسه خیریه‌ای کار کند. (Picquarr, p.2) اما در مورد نوع جرم ارتکابی فرد، باید متذکر شد که در قانون جزا فرانسه به استناد ماده 12-17 و 12-18 قاضی در جرایم خلافی می‌تواند مرتکب را به مجازات کار عام المنفعه به مدت 20 تا 120 ساعت محکوم نماید.

اما در جرایم جنحه‌ای به استناد ماده 8-131 هنگامی که مجازات جنحه‌ای زدن باشد، دادگاه می‌تواند فرد را به مجازات خدمات عام المنفعه، به مدت 30 تا 320 ساعت محکوم کند.

اما در مورد این که فرد محکوم تا چه زمانی فرست دارد این کار را انجام بدهد، ماده 22-131 این زمان را حداقل تا 18 ماه ذکر می‌کند. اما گاهی خدمات عام المنفعه، همراه با حکم پرحیاتی صادر می‌شود: مانند

ماه 17 مقرر می‌کند: «آینان نامه‌ای که مجازات جنحه‌ای از خلافهای دسته‌بست انجام می‌دهد.»

ماه 16 مقرر می‌کند: «هنگامی که مجازات کار عام المنفعه، به مدت 90 ساعت قبل از پاسخگویی به صاحب‌النظر می‌گردد.»

ماه 8 مقرر می‌کند: «هنگامی که مجازات کار عام المنفعه، به مدت 120 ساعت قبل از پاسخگویی به صاحب‌النظر می‌گردد.»

ماه 22 مقرر می‌کند: «هنگامی که مجازات کار عام المنفعه، به مدت 6 ماه قبل از پاسخگویی به صاحب‌النظر می‌گردد.»
محكومیت نرد به ۳ ماه حبس تعقیبی، همراه با الزام وی به انجام ۲۰۰ ساعت کار عام منفعة ظرف مدت ۶ ماه. (۲) قانون جزایی فرانسه مقرب می‌کند:

دادگاه در وضعیت‌ها و مطابق کیفیت پیش‌بینی شده در مواد ۲۵0 و ۲۶۱ به سود شخصی حقوقی از اشخاص حقوقی مربوط به حقوق عمومی یا به سود مؤسساتی که بطور معمول به اجرای کارهای عام المنفعة می‌پردازد، انجام دهد. هنگامی که معمولاً انجام کار عام المنفعة را نمی‌پذیرد یا در جلسه محاکمه حاضر نیست، تعقیب تأوام با تکلیف به کار عام المنفعة نمی‌تواند مقرب شود. روش‌هایی اجرای تکلیف به یک کار عام المنفعة توسعه می‌یابند. به انجام رسیدن تمام کار عام المنفعة، محكومیت تمام شده تلقی می‌شود. (حسینی: ص ۵۷) اما در مورد مقدمات انرژی قرار یادبود می‌تواند شد که قرار خدمات عام المنفعة در نظام جزایی فرانسه، برای سه جرم از مجرمان قابل استفاده می‌باشد:
الف- مجرمانی که بر حسب اتفاق، برای ولیق بار مرتب‌کرده جرم حضور در جریان تا حدودی خطرناک است.
ب- مجرمانی که به عادت، مرتکب جرایم شده‌اند که جرم‌شناسی از شدت کمی برعکس است.
ج- مرتکبان تخلفات راهنمایی و رانندگی. (۴)
ب- انگلستان
در نظام قضایی انگلستان، خدمات عام المنفعة در مقایسه با نهاد تعقیب، چه از لحاظ ماده ۴۰۰ مقرر می‌کند: "دایگاهی که حکم به مجازات زندان می‌دهد، می‌تواند مطابق شرایط پیشین شده نژاد مقرر نماید که با قرار گرفتن شخص حقوقی محكوم تحت رویت آزمایش اجرای کیفری و تعقیب گردد. پس از حکم به زندان تعقیب شده توأم با آزمایش در صورت حضور محكوم، ریس دادگاه تعیین و بیان‌می‌کند اینکار جرم جدید را در مدت آزمایش و تعیین قصور در انجام اقدامات کننده یا تعهدات خاص که بر اساس تکلیف شده را به او علامت می‌گذارد.
و ماده ۴۰۲ مقرر می‌کند: "تعقیب آزمایشی نسبت به محکومیت‌های بی زندان به مدت حداقل ۵ سال، به علت ارتباط جنایت یا جنحای که مربوط به حقوق عمومی است، قابل اعمال است. هرگاه دادگاه اجرای حقوق حکم را مقرب نمی‌کند باشد، آزمایش فقط از روزی قابل اعمال است که مطابق تبصره ۲ ماده ۷۰۸ قانون آنی داردی کیفری، محکومیت قابل اجرای می‌شود."
قانونی و چه از لحاظ عملی، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و جایگزین مناسبی برای مجازات زندان محصور می‌شود. (Tony، P.69) در این کشور از سال 1972 در این کشور، به محاصب این اجازه بدید شد که با تواناید مجرمان بالای 17 سال را به مجازات خدمات عام المنفعه به مدت 40 تا 140 ساعت محروم کند و به گروهی قانون مصوب سال 1983، اختیارات بیشتری به قضات داده شد. به گونه‌ای که آنها می‌توانستند بزرگسالان زیر 17 سال را نیز به خدمات عام المنفعه به مدت 20 تا 120 ساعت محروم کنند. (العوجی: ص 176).

در همین راستا، مجموعه مقرراتی تحت عنوان "مقررات راجع به خدمات عام المنفعه" در اول آوریل سال 1989 به تصویب مجلس رسید که مشتمل بر چند بخش است: قسمت آغازین آن به تعريف وازدهمای کلیدی پرداخته است و در قسمت بعدی، به شرح وظایف مجرمان قرار می‌دهد. قرارهای عام المنفعه پرداخته که آنها را به ارائه اطلاعاتی کبینه به شخص محروم و ارتباط با معنی و مفهوم خدمات عام المنفعه، وظایف وی، عوامل و پیامدهای عدم حضور ور در سر کار معین شده و ملزم نموده است. در قسمتهای بعدی نیز به موضوعات مانند زمان آغاز کار، نحوه محاسبه کار انجام شده، عوامل قصور و کوتاهی در مورد عدم انجام کار و پرداخته شده است (The Community service orders Rules 1989).

اما در مورد نوع کاری که ممکن است مورد حکم قرار گیرد، باید خاطر نشان کرد: این امر بستگی به موقعیت مجرم، مهارتهای تجربه، شایستگی و علاقوی وی و دارد که فاضل باید توجه به این امر، کاری مناسب برای فرد بر نظر می‌گیرد. اما وظایف فردی که این قرار در مورد اعمال می‌شود، این است که او لازم، هر چه در ساختاری که در حکم قرار مقرر شده، تحت نظرات مدکدار اجتماعی قرار گیرد - به این معنا که چه بدانید به دور اجازه‌دار، مدکدار و یا سرپرست، مدکدار، محل کار را ترک کند و باید به تمام دستورات منطقی مدکدار و یا سرپرست، چه در عمل به شدت و آن طور که در قرار مقرر شده، گزارش کارش را به مدکدار بدهد - ثانیاً اگر تغییری در آدرس یا حاصل شد، سریعاً آن را به مدکدار اجتماعی اطلاع دهد. به علاوه تغییرات مربوط به استفاده را نیز به اطلاع مدکدار اجتماعی برساند. (Community service orders in dundeeceity، ج 1- ایالات متحده آمریکا)
چاپگرین مجازات زندان استفاده می‌شود. استفاده نوین از این قرار، مربوط به دهه ۱۹۶۰ در ایالت کالیفرنیا به خاطر اجتناب از تحمیل جرایغ نقیض به خانه‌هایی که مرتکب تخلفات رادنگی می‌شوند و از طرفی، قدرت پرداخت جرایغ نقیض را نداشتند، این قرار را صادق می‌کردند. زیرا در صورت فرستادن آنها به زندان، ممکن بود خطرهایی متوجه آنان شود. همین برناجا کالیفرنیا، موجب شد که دیگر ایالت‌ها و حتی سایر کشورها نیز به این برنامه علاقه‌مند شده و مقدمات بهره‌مندی از آن را مهیا کنند. اما نتایج فراموش کرد که اخیراً در ایالت‌های محدود از این قرار در مقایسه با سایر اقدامات، استفاده کمتری می‌شود. (Tonry, 1998, 696)

هدف از اعمال این قرار در این کشور نیز مانند سایر کشورها، کاستن از ازدحام زندانها و حتی کاستن از تعداد افرادی است که تحت آزمون قضایی قرار گرفته‌اند، جراگ
که در اجرای این قرار، نیاز به مراقبت مستمر نیست. ساعت‌های کار تمام‌منبعه بین ۴۰ تا
۸ و حتی تا ۴۰۰ ساعت بر حسب نوع جرم و نحوه ارتباط آن در نووسن است. یکی از
فرهنقه که مرتکب یک جرم خلاف اخلاق شده و یا برخی که درگیری کوچکی بایگران
dاشته‌های مدت زمان کمتری محوکم به کار می‌شود.

اما در مورد مشمولان این قرار، به‌.setUp خاطر نشان کرده که در ایالات متحده، هر ایالت
ممکن است که روش بازی متفاوت از سایر ایالت‌ها داشته باشد، اما از باب نمونه مختصری‌اً به
مقررات مربوط به این قرار در ایالت نیویورک اشاره می‌کنیم:

در این منطقه قرار خدمات عمومی منبعه ممکن است در مورد مرتکب جرایم خلاقي،

جنحه و طبقه D از جنایات و جرایم جوان صادر شود. فرد محکوم ملزم است تعداد
ساعتی را که دادگاه مشخص کرده، در مجموعه‌ای غیر انتفاعی به کار و فعالیت بهدازد
که مسئول و کارفرما بر نحوه کار فرد نظارت دارد. بر طبق مقررات این منطقه، افرادی
نیز هستند که از شمول این قرار استثنایاً شده‌اند؛ ایندی این که: مجرم دارای ناتوانی
جسمی، ذهنی، عاطفی باشد و یا معتاد به مواد مخدر و یا آلکل باشد و یا مجرم‌سانی که
مرتبک انواع خاصی از جرایم خشونت آمیز، یا جرایم جنسی و یا جرایمی که در هنگام
ارتباط آنها اسلحة به همراه داشته‌اند، شدیدند و نیز مجرم‌سالی که ممکن است بالقوه،

(Alternatives to Incarceration)”

خطر برای خودشان یا جامعه ایجاد گردند.
نکاتی در مرحله
یکی دیگر از اقداماتی که در راستای به حداکثر رساندن استفاده از زندان در سیاست جنایی امروزی مطرح است، حبس مجرم در منزل‌لشک است. به این صورت که محكوم به این اقدام، محکوم‌نشین را در خانه و اتاق‌های خود خودش سپری می‌کند. به‌ویژه این تصمیم، دادگاه محکوم را ملزم می‌کند که از منزل خارج نشوید و در مواقع ضروری نیز به شرطی می‌تواند منزل را ترک کند که پیش از آن، از مقرئی ناظر پرونده اجرا گرفته باشد. از مهم‌ترین امتیازات این اقدام، به مواردی مانند جلوگیری از ورود افراد به زندان و تأکید‌پذیری از آن، کم هزینه بودن و صرفه‌جویی اقتصادی، حفظ انسجام خانواری، تأمین منافع جامعه به وسیله دور نگه داشتن فرد از جامعه و... می‌توان اشاره کرد. اما در مورد منشولان این روش، بايد نخست نشان داد که هر چند در بیشتر امر، این روش برای اطفال بی‌همکار استفاده می‌شود، ولی در حال حاضر نسبت به سایر مجرمان، همانند زندان مجرم و یا مجرمانی که آن سال بالایی در زندان به گونه‌ای در وضعیت مطلوبی به سر می‌پرده، قابل اعمال است؛ آن گونه که مثالاً در ایالت متحده از این روش نسبت به مجرمان جوان و افرادی که اقدام به روانگذاری در حالت مسئولیت می‌کنند، استفاده می‌شود (Tony, 1998). 

در حالتی نیستند که در زندان نگهداری شوند، استفاده می‌شود. (العربی: ص ۱۵۹)

در ایالات متحده، استفاده از این روش از اواست دهه ۸۰ شروع شد و روز به روز توسعه یافت تا این که در دهه ۹۰ در مورد مجرمان بسیاری از این روش استفاده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بر اساس برخی تحقیقات در سال ۱۹۹۳ فقط در ایالات متحده، ۱۲ هزار نفر محكوم به حبس در منزل شده بودند. (Tony, 1998) اما در مورد نحوه نظرات و حزارت بر فرد محكوم به حبس در منزل، پایدار ماندن شدکه هر چند پیش از این کنترل به این صورت بود که یکی از اعضای انجمن‌های خیریه و یا مددکنان اجتماعی بر اعمال و رفتار فرد نظرات می‌کرد (دانش: ص ۱۲۳)، ولی چون نظرات به این نحو با اشكال‌های مواجهه بود، اخیراً سیستم جدیدی برای این کار پی‌ریزی شده که نظرات و کنترل، توسط دستگاه الکترونیکی صورت می‌پذیرد.

کيفيت کنترل فرد با دستگاه‌های کنترل کننده، مبتنى بر ارتباطى سه طرفه، بين
دستگاه فرستندگان و گیرنده‌های اعلامی و دستگاه همراه مجرم که به مع دست یا پای مجرم بسته می‌شود و علایم‌ی را به دستگاه ثابت می‌فرستد و کامپیوتر مركزی که ارتباط بین این دو را ثبت می‌کند، می‌باشد. کنترل الکترونتیکی محكومان به حبس در منزل از سال 1982 به بعد، در ایالات متحده با استقبال خوبی مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که تا آن سال، این سیستم در هیچ کدام از ایالاتها اجرا نشده، اما در سال 1984، در هفت ایالت به اجرا درآمد و در سال 1990 در تمام پنجاه ایالت مورد استفاده قرار گرفت.

(Tonry, P.693)

3- انزلام به کذراندن دوره‌های آموزشی، اجتماعی

یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند جایگزین مجازات زندان شود، الگوهای سریپاکان به گذرنامه دوره‌های آموزشی، اجتماعی است. این اقدام، غالباً در مورد مجرمانی که مرتبک جرایم راهنما و رانندگی شده‌اند، اعمال می‌شود. بر طبق این اقدام، محكوم، ملزم به گذرنامه دوره‌های آموزشی اجتماعی می‌شود که مقدار و زمان آن در مقررات و قوانین جزایی پیش‌بینی شده است. در خلال این دوره‌ها، آموختگی‌های لازم را به فرد می‌دهند تا بدن و سلیقه، حتی امکان دنبال‌های مرتبک جرم تشویقی و از طرفی، از هم‌شورایی شدن این افراد با مجرمان سابقه دار به محیط زندان جلوگیری به عمل آید.

در بعضی از کشورها از این اقدام به نحو گسترده‌ای استفاده می‌شود. چنان‌که می‌بینیم در حقوق انگلستان، به قضات این اجازه داده شده که بر حسب سن فرد و نیازهای آموزشی و ضرورت‌های توجهی وی، وی را به مدت 26 ساعت فراگیری آموختگی‌های لازم، محروم نماید. (العوری: ص 165).

با توجه به آنچه گذشت، معلوم می‌شود که بطور کلی، اقداماتی که مستقیماً می‌تواند جایگزین زندان شود، به دو قسم ضمانت اجرایی مالی و ضمانت اجرایی آموزشی -اجتماعی تقسیم می‌شود که به تفصیل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

به‌هیله است که استفاده از این اقدامات، می‌تواند سهم بسزایی در حل مشکلات ناشی از زندانها داشته باشد؛ اما با توجه داشت که استفاده از این اقدامات، منوط به ثبیت موافق‌تی و جایگاه این اقدامات در نظام کنونی اسلام است، که در فصل بعدی به این موضوع پرداخته می‌شود.
فصل دوم

贾یگاه جایگزینی‌های مجازات زندان در میان کیف‌رای شرعي

بررسی‌ها نشان میدهند که حقوق‌دهان اسلامی در مقام بیان مجازات‌های شرعي، آنها را از جهات مختلفی تقسیم کند. (عده‌های ص ۳۲۲ و ص ۳۲۶)

یکی از این تقسیمات که بیش از سایر آنها مورد اهتمام قرار گرفته، تقسیم مجازات‌ها به لحاظ جرایم ارتكابی است. از این لحاظ، مجازات‌ها به چهار قسم حدد، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شوند. اما با این حال، با توجه داشت که در این بین، جرایم و مجازات‌های تعزیری بیشتر و چندی تری را می‌طلبد: چرا بدخوش وسیعی از جرایم ارتكابی، اختصاصی به آنها داشته و از طرفی، به نظر می‌رسد که شارع مقدس، نسبت به اعمال مجازات‌های تعزیری، اختیارات وسیعی را به حاکم جامعه اسلامی داده است.

بر این اساس سعی می‌شود در این قسمت به قلمرو مجازات‌های تعزیری که در فقه با عنوان «التعزیر دون الحد» شناخته شده بپردازیم. در این پرسش پاسخ داده شود که آیا تعزیر، محدود به مجازات‌های خاصی است یا محدودیتی در این زمینه وجود ندارد؟

در مورد این که حقوق تعزیر چیست و آیا که می‌تواند تعزیر ارتعاز در قاعدته «التعزیر دون الحد» چه می‌تواند باشد، در دیدگاه و طرز تفکر بین فقها وجود دارد. برخی معتقدند که در مجازات‌های تعزیری، اصل بر نایزیانه است و استفاده از دیگر مجازات‌ها به عنوان تعزیر، در غیر موارد تعزیئی شده در روانی لایه نیست. اما در مقابل، بعضی معتقدند که در مجازات‌های تعزیری، اصل بر نایزیانه نیست. بلکه تعزیری مجازات‌های تعزیری بی‌طرف و حکومت اسلامی واگذار شده‌تک بر حسب زمان و مکان، هر وسیله‌ای را که برای اصلاح مجرم‌مناسب بود، اعمال نماید.

بنابراین مجازات‌های تعزیری به وسیله یا هر چیزی که موجب منع و تأثیب مجرم شود، قابل اعمال است و در مورد اعمال مجازات تعزیری یا تعزیری، خطوسیون و یزدای لحاظ نشده و در این مورد، حقیقت شرعی‌های یا متن‌شرعي‌های وجود ندارد. بلکه علت ذکر آن، در بخشی هست و یا مقتدر عرف غلب در زمان شارع و یا به خاطر اثر بخشی سرعی، اجراه ساده و آسان آن یا با منفعت بیش‌تر و بیش‌تر و... بوده است. (موردی ارتباطی: ص۷۶ و منظور) ۲۷۱ ص و ۲۲۸ مکارم شیرازی: ج ۱۲، ص ۱۱) پس از تبیین محل اختلاف، به بیان ادله و مستندات
قاتلین قول اوّل و نقد آنها برداخته می‌شود و پس از آن، در مبحث بعدی به اذله ارائه شده، مبتنی بر عدم انحصار مجازات‌های تعزیری در تازیانه اشاره خواهد شد.

مبحث اوّل: اذله قاتلین به انحصار و نقد آنها

1- کنترین استعمال

قاتلین به انحصار تعزیر در تازیانه، معتقدند که از ملاحظه اقوال لغویان و بسیاری از فقها در مورد معنا و مفهوم تعزیر به دست می‌آید که هر چند لفظ تعزیر در لغت به معنای تأثیر بوده، اما در لسان شارع و عرف مستروده، به معنای ضرب و ضررب و سیه تازیانه است. به دیگر سخن، اینان معتقدند که لفظ «تعزیر» مطلق است و در لغت تأثیر بوده و سیه مناسبی را شامل می‌شود؛ اما چون تعزیر با تازیانه، در کلام فقها و والیان و قضات زیاد بوده، موجب شده که این لفظ کمی از معنای لغوی خویش منصرف شده و به معنای جدیدی اختصاص ییدا کند؛ بگیری‌ای که حمل آن بر معنای قدمی، نیاز به قربانی دارد. بنابراین هر چه در روایات و کلمات فوقها، وارد تعزیر و مشتقات آن وارد شده باشد، با پر همین معنا دوّم حمل شود. (صایص صص ۳۲ و ۳۷)

در مقام پاسخ به این دلیل لازم است تکیه‌ای را خاطر نشان کرده و آن این که اصولیان، بعضی از اقسام انصراف را مانع تمسک به اطلاق می‌دانند که در زیر به نحو مختصر به آن اشاره می‌شود:

گاهی منشا انصراف، علیه وجودی است؛ به این صورت که وقتی انسان لفظ مطلقی را می‌شنود، فوراً فرد بارز آن به ذهن خوران می‌کند: مانند این که از لفظ انسان، نزد سالار به ذهن خوران می‌کند. این نوع از انصراف، انصراف بودی نام بارد که با کمترین توجه و نفلت از بین میرود و مانع تمسک به اطلاق نمی‌شود.

اما در بعضی مواقع، انصراف ناشی از برداشت خاص عرف از معنا و مفهوم لفظ است، به این صورت که گاهی مواقع، عرف بعضی از مصادری را خارج از مفهوم یک لفظ می‌دانند، مثل این که در فهم عرفی از لفظ «ما لا یئولک لحمه»، غیر انسان به ذهن منصرف می‌شود.

در این مورد شکا نیست که لفظ مطلق همانند کلام، مقتضی به قربانی است و مطلق در غیر آن مورد نظر پیدا می‌کند. اما در بعضی موارد، عرف نسبت به این مطلب شک دارد که آیا این فرد مصدری برای آن لفظ در حالت اطلاق هست یا خیر، که در این
صدورت، لفظ به‌غير آن مورد منصرف می‌شود. مانند انصراف لفظ آب به‌غير آب می‌گردد.
در این مورد از مطلق، آن مفهوم خاص فهمیده، نمی‌شود و از طرفی ظهور در اطلاق تیز ندارد و به‌گونه‌ای اجمال پیدا می‌کند. (خوئی: 2، صفحات 32-33)
با توجه به این مطالب‌می‌توان آن‌ها کرد که وضعیت لفظ تعزیز، همانند قسم اول، از اقسام انصراف است. به این گونه که در گذشت، در بیشتر موارد برای تنبیه مجرمان از تازیانه استفاده می‌کردند و ذهن بیان کنندگان معطوف به آن بوده، پس در هر کجا که لفظ «تعزیز» به کار رفته، ضرب با تازیانه به ذهن تبادل کرده است و گمان کرده‌اند، تعزیز معنی‌ای غیر از این ندارد. بنابراین، چون این انصراف، ناشی از غلبه و کثیرت وجود یک فرد یا نوع خاصی از افراد و انواع تعزیز است، حکیت نداشته و موجب تبقیب مطلق نمی‌شود. پس تعزیز به معنی تأثیب است و هیچ دلیلی به اختصاص آن به خصوص

"ضرب با تازیانه" وجود ندارد. (معرفت: ص 37 و محقق داماد: ص 241)

2- استصحاب و اجرای اصل

بدون شک، حاکم اسلامی می‌تواند به استفاده روایات و اجماع، به‌ره‌کاران را با تازیانه به مقدار کمتر از حد شرعی مجازات کند. اما مجازات به‌ره‌کاران به شیوه‌های می‌گذر مانند حبس، تبعید، جریمه مالی، تعطیل کردن محل کسب، توقف اموال و ... به مقضیان استصحاب حرمت مسلمانان و لازم اعتبار به مال وی و عدم جوانان گرفتن مال از او بدون رضایتی، غیر مشروط است. (صحیف: ص 32)

در زرد آین دلیل باید مبنا شد که او راجع به قاعده‌استصحاب و یا اصل حرمت

در صورتی است که فاقد دلیل ایجادی باشیم، در حالی که در محل بحث، این دلیل وجود ندارد؛ زیرا نگر اینجا "تعزیز" در روایات وارد، مثبت بر مقول بودن تعیین تعزیر به امام (رحمه‌الله) مطلق است و شامل انتها عقوبت‌های تنها می‌شود و از این رو، این گونه روایات، اطلاعات و ادعا اولیه حرمت انداز مسلم را تقدیب و تخصصی می‌زند.

ثالثاً این که مسئول ادعای کرد که حاکم مجاز به تعزیز با تازیانه است، مورد قبول نیست؛ زیرا یکی از مهم‌ترین ادعا تشجیع تعزیر، تأثیر مجاز و بازارش‌شدن وی از ارتکاب جرم و معصیت است. پس اگر ضرب او موجب اصل اصلاح و تأدیبی شود، جایی است و بحثی

منظور از اصل همان اصل "لا ولاية لاحق على احد" و قاعده "الناس مسلطون على انفسهم" است که این انتها را دارد که تواترم در مورد نفس یک انسان که در ید قطرت و حیطه سلطنت وی می‌باشد، تصرف

کیمی، مکر در مواردی که قطعاً بداین شارع مقدس بطور صریح آجره‌درا داده است.

www.noormags.ir
در آن نیست، ولی اگر این طور نبود، بلهکه علم باشتنیم که تعزیزی او با ضرب، مالا را به هدف مورد انتظار از تعزیرات رهنمند نمی سازد، پس اگر تأبیب دیگری موجب ردع و منع او شود، معین می شود. (موسی اردبیلی: ص ۶۶)

۳- تمسک به عبارت «التعزیر دون الحد»

از عبارت «دون الحد» که در روایات و کلام فقها به مقدار زیادی تکرار شده، استفاده می شود که تعزیر با تازیانه بیشتر سارش دارند تا عقیبتهای دیگر؛ زیرا آنها عدید نیستند تا عبارت «کمتر از حد» بر آنها صادق باشد. (صافی: ص ۳۷)

در مقام نقد این دلیل، می توان بیان کرد که از بررسی آئین و روایات به دست می آید که معنای «دون الحد» «کمتر و پایینتر» نیست. بلکه به معنای «غیر و سوی» است؛ چرا که در آئین برای «دون» به معنای نگر شده است؛ در بعضی موارد، دون به معنی رتبه پایینتر و یا عدد کمتر است، مانند این آیه: «وَ أَنَّانَا الصَّالِحُونَ وَاَنَّائِمُونَ دُونَ ذَلِكَ» (جز ۱۱) به معنی «دون الصالحین في الرتبه» (طبرسی: ص ۴۳، و در موارد دیگر، به معنای قرب و نزدیک بودن با چیزی آمده است، مثل این آیه شرفه: «من دونهم شرفان» (الرحمن ۲۴) که مرجوع طبرسی در آن مورد می فرماید: «معنای کلیه دون در این آیه، مکان نزدیک به یک چیز است در مقایسه به مکان دیگری که به آن اندازه به آن شیء نزدیک نیست» (طبرسی: ص ۳۸) و گاهی هم، دون به معنی «غیر و سوی» است. در بیشتر مواردی که دون در قرآن کریم به کار برده شده به همین معنی است، که عدد آن متجاوز از یکصد و سی مورد است. (رک: معرفت: ص ۳۹)

در روایات نیز «دون» به معنای «غیر» آمده است؛ همانطور که در مورد مجازات کسی که با حیوانی نزدیکی کرده باشد، در صحيحه سدیع آمده که «وَ جَلَدُ دون الحد» (جر العاملی: ج ۱۸، ص ۵۷) ولی در صحیحه سمعه بیان می کند که «یِلَدُ حَدًا غیرالحد» (همان) و در صحیحه ابی فضیل نیز تعبیر «ليس عليه حد ولکن بضر بتعزیرا» (همان: ص ۵۷۲) آمده است.

با توجه به این سه روایت که در یک مورد خاص وارد شده‌اند، در می‌یابیم که تعزیر عقوبتی غیر از حد است. که به‌همین‌راسته که اگر حاکم تشخیص داد که مصلحت در اعمال مجازات تعزیری با تازیانه است، در این موقع باید عددی را انتخاب کند که کمتر از حد باشد. و این به معنای این نیست که مجازات دول، عدد کمتر باشد.

پس با توجه به راه آنلیه قاطمین به احصار مجازات‌های تعزیری در ضرب، معلوم شد
که این مجازات‌ها از عمومیت و گسترده‌گی خاصی برخوردارند و نمی‌توان آنها را محدود به موردی خاص دانست. علاوه بر این، ادله‌ای نیز ثابت کننده این امر می‌باشد که در مبحث بعدی به آن اشاره می‌شود.

بحث دوم: ادله اقامة شده بر عمومیت مفهوم تعزیر

همان‌گونه که در بررسی ادله قائلان به انحصار اشاره شد، غالباً وجودی یک فرد از افراد تعزیر، نمی‌تواند موجب انصراف لفظ تعزیر از معنی اصلیش شود، بلکه لفظ تعزیر» از همان سوته مفهومی اولیاً برخورد است و به استناد آن، حاکم می‌تواند هر نوع مجازاتی را که مناسب با شخصیت مجرم و جرم ارتباطی وی تشخیص داد، اعمال کند. برای اثبات این امر، ادله‌ای وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

الف - اطلاعات باب تعزیر

با مطالعه روایات وارده در ابباب حکومت و تعزیرات، می‌توان به روایاتی دست یافت که به نوعی همین اطلاع و رسته مفهومی را برای لفظ تعزیر» تایید می‌کند. به چند مورد، به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

در مورد تعزیر فردی که به نیک‌تری نسبت‌گذاری و تلقی شده، در تمامی این موارد، به جای ترتیب و نحوه تعزیر، بحث درباره می‌شود. این موارد، اطلاع‌دهنده و شامل هر گونه عواملی است که به همراه عوامل مؤثر واقع شود. همچنین در مورد مقارن کننده با حیوان آمده است: رحم و حذف ندارد، بلکه با مجازاتی دریاده و مجازاتی می‌شود» (همان ص 22)

این روایت نیز اطلاع دارد و مفهومی وسیع برای تعزیر در نظر می‌گیرد. در مورد مجازات «آل کربا» در روایت آمده است که «تأدب می‌شود» (همان ص 80) و این بیان نیز اطلاع‌دهنده و شامل هرگونه مجازاتی می‌شود.

همچنین در مورد کسی که اقدام به سرقت می‌کند که هنوز بر درخت است، حضرت مفروماند: خوردن از این گونه میوه اشکال ندارد، ولی حمل کردند و بردن از آن موجب تعزیر و پرداخت غرامت ب‌پیمان دو برابر قیمت آن می‌شود» (همان)

پس اطلاع موجود در این روایات و روایات دیگری که در این باب وارد شده، دلیل
روشنی است بر این که لفظ تعزیر، دارای همان مفهوم اولیه‌اش می‌باشد و تقیدیدی در آن صورت نگرفته است.

پ - کلمات فوقها

از نگاه دلالی که می‌توان بر عمومیت مفهوم تعزیر ارائه کرد، دیدگاه فوقها در مقام تعزیر تعزیر است که در این زمینه به چند مورد اشاره می‌شود:

مرجوع مطب اعفان حسنی در مقام تعزیر تعزیر می‌نویسد:

»تعزیر عبادت از تأییدی است که خداوند، تبدیل و تنزل به آن را به منظور جلوگیری تعزیر شونده و دیگر مکلفین، از ارتكاب عمل ممنوع جعل نموده است و این حکم، در موردی که امر واجب ترک و امر قبیحی ارتكاب یابد و در شرع، مجازات معینی برای آن نیامده باشد، ثابت می‌شود." (حلیبی: ص ۴۱۶).

بَیهی است که به نظر ایشان، مجازات تعزیری منحصر به موردی خاص نیست، بلکه از هر اقدامی که منجر به اصلاح محروم و پیشگیری از ارتكاب جرم مجدد وی شود، می‌توان استفاده کرد.

مرجوع شهیخ طوسی نیز نسبت به فردی که اقدام به عملی نماید که مستوجب تعزیر است، می‌نویسد:

»امام می‌تواند او را تأیید نماید، مورد نکوهش قرار دهد، سرزنش کند و یا زندانی نماید." (طوسی: ج ۸ ص ۶۶)

همچنین مرجوع علامه در كتاب تحریر می‌نویسد: «تعزیر ممکن است به زدن با تازیانه، حبس و یا به توبیخ باشد.» (علامی: ج ۲ ص ۲۳۷)

مرجوع شهید اول نیز در هفتمین فرق میان حد و تعزیر مذکر می‌شود: «حاکم در تعزیر مختیار است که هرگونه عقوبتی را که مناسب می‌داند، اعمال نماید؛ در صورتی که در حدود، به جز حد محاربه، تخبیری در انتخاب انواع آن ندارد.» (علامی: ج ۲ ص ۱۴۳) پس معلوم می‌شود که ایشان نیز مفهومی وسیع برای تعزیر فاقد هستند.

مرجوع شهید دوم نیز در این زمینه می‌نویسد: «تعزیر در لفته به معنای تأذین و در شرع، عبارت از مجازات و یا نکوهش است که در غالب موارد مقدار آن مشخص نشده است.» (علامی: ج ۳۲ ص ۲۲۵) به‌سیار قدر معاصران نیز دست حاکم را در انتخاب نوع مجازات تعزیری بازگذارشته و معتقدند که هدف از اعمال مجازات، اصلاح مجرم و منع وی از ارتكاب جرم مجدد است. پس به هر شکلی که این امور برآورده شد، می‌توان مجرم
را مجازات کرد (موسوی الاردنی: ص ۵۲ و منظوری: ج ۴ ص ۲۱۸ و تیرانی: ج ۱ ص ۴۷۴). همان گونه که مباحثی فقهی تجزیه را چنین تعیین کرد که است: «التعزیز عقوبة غیر مقترح بر اساس، بل لمعین نوعها احیانیاً و انتا متعیین بیدالحاکم، فهؤلیکه بعده به ما نسبت به نوع الف رجیم و شخصیت الفریق، آنها از العقود، فنیبا يحصل للارتقاء به مجدید احضار الف شخص الى محل القضاء او ملاءته و نحو ذلك» (انصاری: ص ۲۴۷) (تعزیز مجازاتی است که اصلیة غیر مقترح است نوع أن نیش در بعضی موارد معین نشده، بلکه تعیین آن به حاکم و اگذار شده تا با توجه به نوع جرم ارتكابی و شخصیت مجرم، به گونهای مرتکب را مجازات کند که حتی انکاکان از نکرذ جرم مجدد خودداری کند. پس چه بسا این جلوگیری از ارتكاب جرم به مجرم احضار یا را دادگاه و یا سرزنش و یا وانتان اینها حاضر شود.»

به علاوه بسیاری از فقهای اهل سنت نیز مفهوم وسیعی برای تعزیز در نظر گرفته‌اند: این گونه که جزیری در مورد تعیین تعزیز می‌نویسد: «تعزیز عبارت است از نشستید به آنچه که حاکم مصالحه بیبند و سپس از آن نیش بازداشت مرتکب عمل حرام، از ارتكاب مجدد آن است.» (جزیری: ص ۴۴۷ و یا در احکام السلطانیه آمده است: «تعزیز تطلبی و تأدبی است که نسبت به گناهانی که در شرع حتی برای آن تعیین نشده اعمال می‌شود و حکم آن یا توجه به نوع جرم و خصوصاً مجرم تغییر می‌کند.» اما در مورد نوع و میزان تعزیز، اکثر قریب به اتفاق عالمه معتقدند که تعزیز نوع تعزیز به اجتهاد امام و مصلحت وی و اگذارشته شده تا آنچه را مصلحت می‌دانند اعمال کند. پس می‌تواند یا یک توسعه و سرزنش ساده بسند کند و یا را فراتر گذاشته و مجازات دیگری را در نظر گیرد. (ابن نعمه: ج ۵ ص ۳۲۳ و انصوری: ج ۲ ص ۲۳۹).

بنابراین با توجه به آنچه گذشت، مفهوم شد که بسیاری از فقهای امامیه و عامته معقیدند که تعیین تعزیز به شخص امام و حاکم و اگذار شده و اواست که به توجه به شخصیت مجرم، و اوضاع و احوال حاکم بر ارتكاب جرم، می‌تواند به هر نحوی که مصلحت می‌بیند، اقدام به اعمال مجازاتی باید مجرم نماید و در این زمینه با محدودیتی موافقت نمی‌کند.

2 - اطلاعات باب امر به معروف از دیگر ادلیل‌های که بر عمومیت معروف تعزیز می‌توانان ارائه کرد، اطلاعات واردید در
باب امر به معروف و نهی از منكر است. بدون شک یکی از اهرامهای نیرومندی که در دین مبانی اسلام، برای ریشه‌کن کردن فساد و انحرافات بهره و عاملی استوار برای سواد افراد و جامعه به سوی تکامل همه جانبه معنوی و مادی در نظر گرفته شده است، امر به معروف و نهی از منكر می‌باشد. آن گونه که آیات و روان‌های مسلمانان را به انجام این فرضه مهم، الزام می‌نمایند و تأکید فرآیند در حفظ آن دارند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

و تطّعیف هیئت‌یاده‌ای نهایتی به درگیری نمایند و آنتی‌زیستوئی و سپدنه‌ای غیر منکری و باوری نکنید، هم عالی‌شیرینی» (ال عمران: 34) باید از مبانی شما جمعاً دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منكر نمایند، و آنها رستگار‌اند.

همچنین نبی مكرم اسلام در این زمینه می‌فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی از منكر نماید، جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول و کتاب خداست.»

(طبیعی: ۱۷۱، ص: ۱۲۸ و نسخ: ج: ۱۵۴)

از این قبیل آیات و روان‌های فرآیند وجود دارد که امر و تشویق به انجام این واجب الهی می‌نمایند. اهمیت این واجب به حدی است که بی‌روی که بزرگان از فقه‌ای اطلاعی این امر را مسلمان‌گر فرمانده که اگر عمل به این واجب، مستلزم و منوط به تشکیل حکومت باشد، تحصیل آن مقدّم نیست. بازAAC enn انجام این فرضه، واجب و لازم می‌شود. (شیخ انصاری: ج: ۱۷۰ و نسخ: ج: ۱۲۸)

حال که اهمیت این واجب به حدّی است که می‌توان به استندان آن حکومت تشكیل داد.

پس معنای‌دار که در چنین حکومتی که به منظور برپایی اوازیر الهی و ترویج نواحی الهی و برقراری نظم و انضباط در جامعه و چلگریز از فساد و انحراف در آن جامعه وجود آمده است، حاکم در اعمال مجازات به‌زهکاران، از آزادی عمل برخوردار نباشند و تنواند با اختیار تام و کامال، انواع مجازات‌ها و تنیبیه‌ها را اعمال نمایند. بلکه حاکم باید از این لحاظ آزادی عمل داشته باشد تا تنواند از هر و سبیل‌ای که متصدّح دید، روند اصلاح مختلف‌ان از مقرّرات شرعی و حکومتی را که در حقيقة، موجبی برای رشد و تکامل معنوی و مادی جامعه است، سرعت بخشند.

3 - اطلاعات باب و لایت فقیه

از دیگر دلیل‌که می‌توان بر میسو طالبدی بردین حاکم در اعمال مجازات‌های تعزیری
ارائه کرد، اطلاعات ادلب حاکمیت و ولایت فقیه جامعه اسلامی است. به این معنا که هدف از تأسیس دولت و حکومت حق، جهیز جز نظام دادن به جامعه و اصلاح آن، جبران کمبودها، برخی از انحرافات، ترویج کارهای خیر و نیک و قطع ریشه‌های فساد و تباهی در جامعه نمی‌باشد. کما این که بعضی از اینها، اهداف تشکیل حکومت اسلامی را رهنمود ساختن انسان‌ها به سوی کمال و فراهم نمودن سیر و سلوك آنها -تا بتوانند نماینده شانسته خداوندی بر روی زمین باشند- و تبدیل کشورهای اسلامی به «مادیه فاضله»، می‌دانند (جوادی آملی: ص 69) و به عبارتی، هدف از تشکیل حکومت، قرار دادن جامعه و افراد آن در مسیر سعادت و کمال است.

حال در چنین جامعهای حاکم باید بتواند هر اقدامی را که به حلال مرمد و نظم بخشیدن به امر آنها، مصلحت می‌داند عمل کند و باید اختیار کامل داشته باشد که بتواند انواع مجازات‌های تعزیری و تأدبی را به منظور اصلاح و تأدب مجرمان اعمال نماید. آن گونه که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اللّٰی اولی الْفَقَهَوْبِیْنِیْنَ مِنْ آَنْفُسِهِمْ» (اهزاب: 6) پیامبر بر مؤمنان، سزاوارت است از خود آنان، به این معنا که ولایت پیامبر نسبت به برخی تصمیماتی که فردی می‌تواند در مال و جان خویش داشته باشد، اولی و مقدم بر ولایت خود او است. از طرفی مفهومی ادلب، ولایت فقیه در زمان غیبت این است که هر آنچه برای پیامبریگی از حق ولایت برخی (در امور حکومتی) وجود داشته، برای اصلاح جامعه و فرد، محدودیتی در برابر تعیین مجازات‌های نداشته، ولی فقیه و حاکم جامعه اسلامی نیز باید واجد چنین حقی باشد تا بتواند به اهداف مورد توجه در تشکیل جامعه اسلامی جامعه عمل بپوشاند.

۳ - اهداف مجازات‌های تعزیری

یکی از مهمترین ادلب ارائه شده بر نوع و تکثیر حاکم در هدف تعریفات، بررسی علل و عوامل اعمال این گونه مجازات‌ها است. حقوق‌دانان در مقام بیان فلسفه و هدف مجازات‌های تعزیری، معتقدند که هدف اولیه و اساسی از اعمال این مجازات‌ها، اصلاح مجرمان و پیشگیری از ارتكاب جرم مجدید است، و لذا ملاحظه می‌شود که قضایا در تعیین نوع مجازات و میزان آن، از آزادی عمل برخوردارند و می‌توانند با توجه به وضعیت و احوال حاکم بر جرم ارتباطی و شخصیت مجرم، مجازاتی را که مصلحت می‌دانند.
امام حسن (ع) به عنوان نامه‌ی به مالکیت را به می‌آورد که این اقدام را انجام دهد تا بتواند مالکیت را به سیستم قضایی بگذارد. 

توضیحاتی در مورد تغییرات است که شماری به اساس بخشی از تغییرات مجرمان بوده است. این بخش به دلیل هزینه‌های از این زمانی نمی‌توان به یک انتقادات مرجع در جریان مرجعی اشاره کرد. این زمانی تصمیم دارند که توجه به تغییرات مواضع دو فعالیت مهم مصالحه می‌شود (هاردی جریبی)

به خاطر جرم باریکی، حقوق الناس پای مال شده‌اند. با این‌حال، از این زمانی تاکنون مشورت‌ها مورد نظر به یک مشاوره بی‌نتیجه می‌باشد. (هاردی جریبی)

اگر این امور به پذیرش دلال دارند که به‌معنی هدف شرایط از اعمال مجازات‌های تعزیری، اصلاح مجرم و بی‌تاثیری و به جامعه است. بنابراین، حاکم‌جمهور اسلامی باید بتواند در هر مورد خاص، با ملاحظه نوع و شدت جرم، ارتباطی میان جریان بی‌سیفلتی و آثار سود وارد به جامعه و بررسی شخصیت مجرم و دیگر شرایط زمینی و مکانی، مجازات مناسبی را تعیین نماید.

نتیجه:

با توجه به معنای و مفهوم تعزیر و با نکات در اتاق‌های که مبنا بر عمومیت مفهوم تعزیر را درک می‌شود، حاکم جامعه اسلامی برای تنظیم و مجرمان از اختیارات کامل به‌تدریج است و می‌تواند از انواع مجازات‌ها، مناسب‌سازی با شخصیت مجرم و جرایم ارتباطی آنها و همانند موفقیت تربیت یک داری در مراکز آموزشی و یا به‌طوری‌گونه مکمل شکست و شکست هم‌مرحله از اشغال به شعله خاص، تعیین محل کار و فعالیت‌ها، انجام کارهای عام المنفعه، حبس در منزل، زندان و هر نوع اقدامی را که برای اصلاح فرد (که در این مورد به اصلاح جامعه است) مناسب تشخیص داد، استفاده کند و محدودیتی در این زمینه برای وی وجود ندارد. زیرا مجازات و سیاست‌های برای اصلاح و تربیت مرکب جرم و جلوگیری از ارتباط جرایم مجدد وی و همچنین جلوگیری از انحراف و آلودگی سایر
افراد جامعه می‌باشند. بنابراین مجازات‌هایی که در حقوق غرب تحت عنوان «مجازات‌های جایگزین زندان» از آنها یاد می‌شود، در حقيقة مجازات‌های تعزیری هستند که به استناد ادله‌ای که ارائه شده، مقام صلح برای تعیین مجازات‌های تعزیری در انتخاب آنها با حضوری مواجه نمی‌شود. البته با این نظر داشت که تهیه فهرست مناسبی از جرایم و مجازات‌های پیش‌بینی شده برای آنها، به منظور عمل به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و دفع اشكال قبض عقاب بلای بانگاه ضروری است.
مباحث و مآخذ
الف - فارسی:
1- شریعت، محمد، عدلت تحقیری (مجموعه مقالات). تهران، گنج نامه، چ. اول، ۱۳۷۶.
2- آنالیز، مارک دفاع اجتماعی محمد آشوری و علی حسین نقی، ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ج. سوم، ۱۳۷۵.
3- اردنی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چ. اول، ۱۳۷۸، ج. ۲.
4- بیکه، نعمت، رساله جرایم و مجازاتها، محمدعلی اردنی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج. سوم، ۱۳۷۹.
5- پرداز، زن، تاریخ انتدابهای کیفری، علی حسین نقی، ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج. اول، ۱۳۷۹.
6- جوادی، آملی، عادل الله، ولیت فقیه، جم، نشر اسرا، چ. اول، ۱۳۷۸.
7- حسینی، سیدمحمد، قانون جزایی قرارشده، موسسه سال سوم، شمارهای ۱۶، ۱۸، ۲۱.
8- دانش، نجیب، زمان، نشر در حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چ. اول، ۱۳۷۸.
9- صادقی، بروین، حقوق جزای عمومی، تهران، جنگ نامه، چ. اول، ج. ۲.
10- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، تهران، انتشارات آریا، ۱۳۵۲.
11- فیضی، علیرضا، تطبیق در حقوق جزای عمومی، تهران، امیر کبیر، ج. دوم، ۱۳۶۹.
12- کاشی، حسین، کیفرهای جاکرزیان زندان در حقوق قرارشده، مجله حقوق قضایی دانگستری، شماره ۲۶، ۱۳۸۰.
13- گلزاریان، ایرج، باشتهای حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چ. اول، ۱۳۷۸.
14- محبتی، سید محمد، قواعد فقه (بخش جزایی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ج. اول، ۱۳۷۹.
15- مرکز تحقیقات قوه قضائیه، مجازات زندان در بین سایر و اکثراهای اجتماعی، علی جریم و مفهوم کلی جاکرزیان زندان، تهران، مرکز تحقیقات قوه قضائیه، (پیو کی).
16- معرفت، محمود، "بحث در تعزیرات" مجله کانون، کلا، شماره ۱۳۷۶، ۱۳۷۹، بهار و تابستان، ۱۳۶۸.
17- نوری، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کانون، راکی دانگستری، ج. سوم، ۱۳۷۵.
18- هاشمی شاهرودی، سید محمد، باشتهای قوه حقوقی، جز. ۱، تهران، نشر میزان، چ. اول، ۱۳۷۸.

ب - عربی:
19- ابن نجم، زین الدین بن ابراهیم، البحر الحدائق، القاهره، دارالکتب الإسلامي، الطبعة الثانية، ب. ت. ۵، ج. ۵.
20. الانصاري، زكريا بن محمد، فتح الوهاب، بيروت، دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، 1318، ج. 2.
21. الانصاري، محمد علي، الوسوعة الفقهية المصيرية، مجمع الفكر الإسلامي، الطبعة الأولى، 1320، ج. 7.
22. الانصاري، مردوخية (الشيخ)، كتاب المكاسب، مجموع نشر دهافتاني، ج. 1، 1372، ج. 1.
23. التبريزي، ميرزا جوا، مسأله النجاة، مجموع نشر بركزي، ج. 1، 1314، ج. 2.
24. الجعفي العاملي، زين الدين بن علي (الشهيذ الثانى)، مسائل الأفهام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، الطبعة الأولى، 1316، ج. 12، وج. 15.
25. الجزيري، عبد الرحمن، الفقه على مذاهب الأربعة، بيروت، دائرة النشر العربي، الطبعة الأولى، بي تا، ج. 5.
26. الحر العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، بيروت، دائرة النشر العربي، الطبعة الخامسة، ج. 18.
27. الحكيم، أبي الصلاح، الكافي في الفقه، إصفهان، مكتبة الإمام أمير المؤمنين، بي تا.
28. الحكيم، الحسن بن يوسف (المطوع)، تحرير الأحكام الشرعية، مجموع الدار الصادق، 1319، ج. 2.
29. الصافي، طلبه، التفسير، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، 1322.
30. الطبري، فضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دار المعرفة، الطبعة الثانية، 1320، ج. 1، وج. 10، و. 1926.
31. الطوسوي، محمد بن الحسن (الشيخ)، المفسر، بي تا، ج. 2، وج. 1251، ج. 2.
32. العاملي، محمد بن مكي (الشهيذ الأول)، القواعد والقواعد، مكتبة المفيد، بي تا.
33. المجوي، مصطفى، التأهيل الاجتماعي في مؤسسات العقابية، بيروت، مؤسسة بحسون، الطبعة الأولى، 1392.
34. القراء الحنفي، محمد بن الحسن، الإحكام السلطاني، بيروت، مكتبة الإسلام، الطبعة الثانية، 1306.
35. الفهري، عبد الحليم، علم الإجراز وعلم العقاب، بيروت، الندوة الجامعية، 1995.
36. الماروردي، علي بن محمد حبيب، الإحكام السلطاني، بيروت، مكتبة الإسلام، الطبعة الثانية، 1306.
37. المنتظر، حسين علي، دراسات في ولاية الفكرية وفقه الدولة الإسلامية، بيروت، المركز العالمي للدراسات الإسلامية، ج. 2، وج. 1308.
38. الموسوي الأردبيلي، سيد عبد الكريم، فقه الحدود والتعزيرات، بيروت، مكتبة أمير المؤمنين، الطبعة الأولى، 1413.
39. الموسوي الخوئني، سيد أبو القاسم، اجود التعزيرات، مجموع صاحب الأمن، الطبعة الأولى، 1319.
59
20- النجفي، محمدحسين، جواهر الكلام، بيروت، دار芡ليا، الطبعه السادسه، بي تا ج 7.
21- النوروي، المنشق، يحيى بن شرف، روضة الطالبين، بيروت، دار الكتب العلمية، بي تا ج 7.
22- عبد المنعم، سليمان، أصول علم الإجرام و الجزاء، بيروت، المؤسسة الجامعية، الطبعة الأولى، 1996.
23- عوده، عبد القادر، التشريع الجنائي الإسلامي مقارنة بالقانون الوضعي، بيروت، المؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة عشر، 1/4، 1976.
24- محمد جعفر، على، فلسفة العقود في القانون و الشرع الإسلامي، بيروت، المؤسسة الجامعية، الطبعة الأولى، 1997.
25- مكارم شيرازي، ماهر، أنواع الفقه في (كتاب الحدود و التعزيرات)، قم، مدرسة الإمام علي بن أبيطالب، الطبعة الأولى، 1318، ج 1.

ج - لاتين:

48- Alternatives to Incarceration. in: www.co. clinton.ny.us/ Departments/ probation/alternatives - incarceration.
50- The justic system and Aboriginal people. chapter 10. Alternatives to Incarceration.

www. ajc. mb.ca/ volume/ chapter 10. html